



ویژگی‌های رفتاری مدیران، انعطاف‌پذیری مالی و نقش میانجی ارتباط سیاسی بر مبنای روش معادلات ساختاری

نرگس صبوری

گروه حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

حجت‌الله سالاری^۱

گروه حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

مهلا ضیایی بیده

گروه حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۹ تیر ۱۴۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱ بهمن ۱۴۰۳)

انعطاف‌پذیری مالی یکی از نکاتی است که امروزه مورد توجه مدیران قرار گرفته است و این احتمال وجود دارد که ویژگی‌های رفتاری مدیران بتواند این شاخص را تحت تأثیر قرار دهد و از طرفی ارتباط سیاسی نیز به عنوان یک شاخص اثرگذار نقش میانجی در انعطاف‌پذیری مالی داشته باشد و باعث ایجاد تغییراتی در بحث مالی و رفتاری شرکت گردد؛ بنابراین این مطالعه با هدف تعیین تأثیر ویژگی‌های رفتاری مدیران بر انعطاف‌پذیری مالی شرکت با نقش میانجی ارتباط سیاسی انجام شده است. روش پژوهش به صورت توصیفی-پیمایشی و از نوع کاربردی بوده و متغیرها با کدگذاری کمی‌سازی شده‌اند. داده‌های پژوهش به صورت مقطعی و در نیمه اول سال ۱۴۰۳، از طریق پرسشنامه بین اعضای نمونه توزیع و در مدت زمان مشخصی جمع‌آوری گردید. جامعه آماری شامل شرکت‌های مختلف ایران و نمونه آماری شامل کلیه مدیران فعال در شرکت به تعداد ۱۲۷ نفر به روش جدول مورگان انتخاب شدند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که ویژگی‌های رفتاری مدیران بر انعطاف‌پذیری مالی شرکت با نقش میانجی ارتباط سیاسی تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابراین هوش هیجانی و هوش غیرکلامی، ارتباطات و شنیدن، اعتماد به نفس و تصمیم‌گیری، انعطاف‌پذیری و احترام به کارکنان، صداقت و از خود گذشتگی با در نظر گرفتن نقش ارتباط سیاسی می‌تواند منجر به تغییراتی در انعطاف‌پذیری مالی شود.

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های رفتاری مدیران، انعطاف‌پذیری مالی، ارتباط سیاسی، هوش غیرکلامی، اعتماد به نفس.

¹ Ho.salari@iaau.ac.ir

مقدمه

تأثیر رفتار مدیریتی در پژوهش‌های مالی در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس مدیران با تصمیم‌های که اتخاذ می‌کند، نقش مهمی در عملکرد مالی ایفا خواهند کرد. کارایی مدیریت یکی از ویژگی‌های بارز مدیران توانمند می‌باشد که بر چگونگی ورودی و خروج منابع مالی، تأکید می‌کند و از این‌رو با سهامداران مواجه می‌شود. شرکت‌های جوان معمولاً به دلیل اینکه منابع کمتری دارند و توانایی مالی زیادی برای مخارج سرمایه‌ای ندارند، بنابراین فرصت‌های سرمایه‌گذاری آتی کمتری دارند و از این‌رو، سعی می‌نمایند از مدیران کارا در این مراحل نسبت به سایر مراحل چرخه عمر، استفاده بیشتری داشته باشند [۱۷]. تصمیمات مربوط به تأمین منابع مالی شرکت‌ها غالباً طولانی مدت می‌باشد و چندین سال مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و گروه‌های مختلف ذی‌نفعان را به شکل‌های مختلف متأثر می‌سازد. بعلاوه، با توجه به نبود اطلاعات مطمئن، قابل‌اتکا، مناسب در خصوص دوره‌های آتی و همچنین رویدادهای غیرمنتظره در خصوص مسائل آینده، تصمیمات اتخاذ شده شرکت‌ها و واحدهای تجاری در شرایط اطمینان کامل نمی‌باشد. شرکت‌ها در تلاش‌اند که به شکلی برنامه‌ریزی داشته باشند تا نه تنها حداقل بازده انتظاری ذی‌نفعان را به دست آورند، بلکه پا را فراتر گذاشته و بازده‌ای مازاد نیز برای ذی‌نفعان و سرمایه‌گذاران کسب نمایند. وقوع اتفاقات و حوادثی که در مرحله برنامه‌ریزی پیش‌بینی نشده وجود دارد، توانایی شرکت در دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده شرکت تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین شرکت‌ها و واحدهای تجاری سعی می‌نمایند در تصمیم‌گیری‌هایی که اثرات آن به آینده تأثیرگذار است به گونه‌ای محافظه‌کار عمل نمایند و بخشی از توانایی خود را برای اتفاقات و حوادثی پیش‌بینی نشده آتی و قدرت انجام عکس‌العمل‌های مفید در قبال آن‌ها حفظ شوند. کاربرد مناسب سیاست‌های انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها به عنوان ابزارهای مهم جهت دستیابی به این اهداف به شمار می‌رود که با عدم بکارگیری قسمتی از توانایی استقراض شرکت‌ها جهت رویارویی با سرمایه‌گذاری و مخاطرات پیش‌رو و فرصت‌های رشد، احتمالاً تأثیر بسزایی بر عملکرد مالی شرکت‌ها و واحدهای تجاری خواهد داشت. یکی از مسائل مهم این است که با توجه به تغییرات محصولات و شیوه‌های تولید، شرکت‌ها قادر به ایجاد تغییرات لازم در خود به منظور هماهنگی با تغییرات صورت گرفته را داشته باشند که امروزه با تغییرات غیرقابل پیش‌بینی و بازارهای رقابتی بین‌المللی همراه است و این امر از طریق دستیابی به انعطاف‌پذیری مالی امکان‌پذیر می‌باشد. شرکت‌ها برای افزایش انعطاف‌پذیری مالی باید بتوانند تحولات و بحران‌های محیطی را شناسایی و قادر باشد که با سرعت زیاد، واکنشی مناسب برای نوسانات محیطی ارائه دهند. توانایی یک شرکت جهت مقابله با اتفاقات آینده از ویژگی‌های انعطاف‌پذیری مالی می‌باشد. درجه‌ای از ظرفیت یک شرکت که بتواند منابع مالی خود را برای فعالیت‌های واکنشی مهیا سازد تا ارزش و عملکرد شرکت را به حداکثر برساند نیز نوعی انعطاف‌پذیری مالی محسوب می‌شود [۱۴]. انتقال اطلاعات سیاسی از یک بخش نظام سیاسی به بخش‌های دیگر مانند نظام اجتماعی را ارتباطات سیاسی می‌نامند که در یک جامعه، امری حیاتی به شمار می‌رود. سخنرانی‌های سیاسی، تصمیمات حکومتی، مواضع انتخاباتی و مذاکرات سیاسی به عنوان

پیام‌های سیاسی ویژه‌ای به شمار می‌روند که به روشنی قابل تشخیص می‌باشند. مذاکرات و مباحثات جدی و جلسه‌های سیاست‌گذاری ارتباطات سیاسی که مثل دیگر زمینه‌ها به شکل افقی و عمودی به کار می‌روند، از جمله مجراهای ارتباطی به شمار می‌رود که در سطح وسیع یا منحصر به فردی سیاسی محسوب می‌شوند. تأثیر بر رفتار از جمله موضوعاتی است که در ارتباط سیاسی دارای اهمیت می‌باشد. سعی می‌شود با بهره‌گیری از ابزارهای متفاوت ارتباطی و قوانین و تکنیک‌های لازم بر مخاطب اثرگذار باشد و مخاطب را با برنامه‌ها و ایده‌های خود هماهنگ سازد و با کسب نفوذ، ارای عمومی مردم و جلب افکار موقعیت خود را مستحکم نماید و به گسترش دایره قدرت خود بپردازد؛ این ویژگی‌ها از نشانه‌های ارتباط‌گر سیاسی محسوب می‌شود که در این نوع ارتباط سیاست‌مداری نشان می‌دهد. ارتباط اقناعی را می‌توان ارتباط سیاسی در نظر گرفت، چون در هر دو ارتباط هدف مشخصی مدنظر می‌باشد و پیام ویژه‌ای ارسال و با هدف ایجاد نظام در جامعه انجام می‌گردد [۲]. درک درستی از تصمیمات مالی یکی از چالش‌های کلیدی در تحقیقات اقتصادهای مالی می‌باشد. طی سال‌های گذشته، رویکردهای متفاوتی از جمله هزینه‌های نمایندگی و نقص بازار طرح شده است. شواهد زیادی در رابطه با تصمیم‌گیرندگان مالی نشان می‌دهد که یک عامل دیگر وجود دارد که در تحقیقات دانشگاهی توجه کمی به آن شده است و آن انعطاف‌پذیری مالی است. در حقیقت مدیران مالی ادعا می‌کنند که توجه به انعطاف‌پذیری مالی اولین عامل مهم در تصمیمات سیاست‌تأمین مالی می‌باشد. انعطاف‌پذیری مالی توانایی شرکت در دستیابی و ساختار مجدد تأمین مالی شرکت با هزینه کم است. با توجه به این دیدگاه، انعطاف‌پذیری مالی از دو جهت برای شرکت‌ها ارزشمند است. اول اینکه انعطاف‌پذیری مالی می‌تواند مشکلات سرمایه‌گذاری کمتر از حد را در دستیابی به سرمایه کاهش دهد و دوم اینکه انعطاف‌پذیری مالی کمک به جلوگیری هزینه‌های مرتبط با بحران مالی می‌شود. انعطاف‌پذیری مالی توان شرکت‌ها را برای توانایی تأمین مالی به منظور واکنش به موقع در برابر پیشامدهای غیرمنتظره آینده و حداکثر ساختن ارزش شرکت نشان می‌دهد. در مطالعات گذشته انعطاف‌پذیری مالی تعریف عملیاتی نشده و تنها تعریفی ذهنی همچون توانایی شرکت برای پاسخگویی در برابر رویدادهای غیرمنتظره آینده ارائه شده است. ارزش انعطاف‌پذیری مالی بطور مستقیم تحت تأثیر تصمیمات مالی گذشته نیست. در مفهوم ساختار سرمایه، اهرم مالی گنجایش قرض‌گیرندگی آینده شرکت را تعیین می‌کند و به آن سطح و درجه انعطاف‌پذیری مالی گویند [۱۱]. مدیران ممکن است دارای ویژگی‌هایی باشند که در انجام فعالیت‌های شرکت اثر داشته باشد و باعث شوند عملکرد شرکت را تحت تأثیر خود قرار دهند و یا اینکه انعطاف‌پذیری مالی خود را نیز دچار نوسان و یا تغییراتی مثبت یا منفی داشته باشند. ویژگی‌های مدیران که شامل هوش هیجانی و هوش غیرکلامی، ارتباطات و شنیدن، اعتماد به نفس و تصمیم‌گیری، انعطاف‌پذیری و احترام به کارکنان، صداقت و از خود گذشتگی می‌باشد از جمله مواردی است که در این مطالعه مورد سنجش قرار گرفته است. از طرفی ارتباط سیاسی نیز به عنوان یک شاخص اثرگذار تعدیلی به کار رفته است، بدین منظور که شرکت‌ها با داشتن ارتباط سیاسی با دولت و یا وجود ارتباط آن‌ها با شرکت‌های دولتی، تحت تأثیر چه عواملی قرار می‌گیرند که بتوانند میزان عملیات یا عملکرد نهایی خود را تغییر دهند و یا

اینکه ارتباط سیاسی داشتن شرکت‌ها می‌تواند باعث انعطاف‌پذیری مالی شرکت شود یا خیر؟ از طرفی با توجه به اینکه شبهه موضوع فوق در ایران به صورت پژوهش کمی انجام شده، اما در این مطالعه متغیرهای پژوهش با تعداد مولفه بیشتری با روش آماری معادلات ساختاری مورد سنجش قرار گرفته است و پژوهشگر نیز در تلاش بوده که خلاء پژوهشی در این زمینه را پوشش دهد. در مطالعات گذشته مانند زنگانه و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی موضوع فوق پرداخته‌اند، اما نوآوری این مقاله در این است که شاخص‌های دیگری را مورد سنجش قرار داده است که در ادامه ذکر شده‌اند و از طرفی به روش معادلات ساختاری انجام شده است که با مطالعه آن‌ها متفاوت است. از این‌رو، باید به این سوال پاسخ داد که آیا ویژگی‌های رفتاری مدیران بر انعطاف‌پذیری مالی شرکت با نقش میانجی ارتباط سیاسی اثری معنادار ایجاد می‌کند یا خیر؟

ویژگی‌های رفتاری مدیران: شواهد عینی بیانگر آن است که مدیران از قابلیت‌های متفاوتی در اجرای وظایف مدیریتی خود برخوردارند. این تفاوت در قابلیت‌های مدیران می‌تواند یکی از عوامل توجیه‌کننده ویژگی‌های رفتاری آنان باشد. از ویژگی‌های مهم شخصیتی که جایگاه ویژه‌ای در نظریه‌های مالی دارند می‌توان از خوش بینی، کوتاه‌بینی و بیش‌اطمینانی مدیر نام برد؛ این ویژگی‌ها از شاخص‌های مهم علوم رفتاری از جمله روان‌شناسی هستند [۴]. با توجه به اینکه در مطالعات گذشته از برخی ویژگی‌های رفتاری مدیران استفاده شده است؛ در این مطالعه، شاخص‌های دیگری را مورد سنجش قرار داده است که شامل: (۱) هوش هیجانی و هوش غیرکلامی (۲) ارتباطات و شنیدن (۳) اعتماد به نفس و تصمیم‌گیری (۴) انعطاف‌پذیری و احترام به کارکنان (۵) صداقت و از خود گذشتگی.

انعطاف‌پذیری مالی: انعطاف‌پذیری مالی، توان شرکت در واکنش مناسب در مواجهه با موارد پیش‌بینی نشده و تأمین مالی در جهت بیشینه نمودن ارزش شرکت را شامل می‌شود. شرکت‌هایی می‌توانند در برابر فشارهای مالی مقاومت کرده که دارای انعطاف‌پذیری مالی باشند این شرکت‌ها می‌توانند وجوه لازم برای سرمایه‌گذاری را در زمان وجود فرصت‌های سودآور با کمترین هزینه فراهم نمایند. یکی از سیاست‌های مهم مالی شرکت‌ها سیاست‌های مرتبط با انعطاف‌پذیری مالی شرکت است که در توانمند ساختن مدیران در سرمایه‌گذاری شرکت نقش مهمی بازی می‌کند. شرکت‌ها جهت استفاده از فرصت‌های سودآور پیش رو با توجه به مشکلات بازار سرمایه ملزم به حفظ انعطاف‌پذیری مالی هستند [۶]. با توجه به اینکه در مطالعات گذشته از برخی انعطاف‌پذیری مالی استفاده شده است؛ در این مطالعه، شاخص‌های دیگری را مورد سنجش قرار داده است که شامل: (۱) کارایی مطلوبیت مالی (۲) کارایی تغییرات راهبرد سرمایه‌گذاری (۳) کارایی تغییرات عملیاتی.

ارتباط سیاسی: سیاست‌های تأمین مالی شرکت‌ها تحت تأثیر این شاخص یعنی ارتباطات سیاسی قرار می‌گیرند و در مبانی نظری مطالعات گذشته این مبحث، توجه زیادی را در سراسر جهان به خود جلب کرده است. میزان عملکرد مالی قابل ملاحظه با دولت از جمله برقراری ارتباطات سیاسی محسوب می‌شود. بیان روابط نزدیک دولت و واحدهای تجاری نیز به عنوان اصطلاح ارتباط سیاسی در نظر گرفته شده است. منافع مانند شرایط مناسب استقراض، کاهش هزینه‌های مالی، کاهش احتمال وقوع

ورشکستگی، بهبود فرصت‌های رشد از جمله خصوصیات شرکت‌هایی محسوب می‌شود که از روابط سیاسی برخوردارند. سطح بالایی از ارتباط سیاسی در شرکت‌های دارای حساسیت زیاد بازار سرمایه دیده شده؛ بدین معنی است که ارتباط سیاسی باعث کاهش حساسیت بازار می‌شود. با توجه به ادبیات موجود، ارتباط سیاسی با دسترسی آسان نسبت به منابع خارجی و قراردادهای مبتنی بر روابط، توانسته است منابع ارزشمندی را برای شرکت مهیا، تا بر تصمیمات سرمایه‌گذاری اثرگذار باشد [۴]. با توجه به اینکه در مطالعات گذشته از برخی ارتباط سیاسی استفاده شده است؛ در این مطالعه، شاخص‌های دیگری را مورد سنجش قرار داده است که شامل: (۱) رسانه‌های جمعی (۲) گروه‌های فشار و احزاب سیاسی (۳) تماس‌های بین افراد.

پیشینه نظری و تجربی پژوهش

بررسی و تحلیل تأثیری که ویژگی‌های مدیران از جوانب مختلف بر عملکرد شرکت دارد، مهمترین جنبه بحث این پژوهش است. توان دستیابی به سطح مطلوب و مورد انتظار نسبت به عملکرد در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته، زیرا در دنیای پرتلاطم امروزی، سازمان‌ها و جوامع با تحولات شگرف محیطی و تکنولوژی و به تبع آن تجارت جهانی و جهانی شدن مواجه هستند. رقابت روزافزون موسسات جهت دسترسی به سود مورد انتظار از جمله این تحولات محسوب می‌شود که شرکت‌ها جهت ادامه حیات خود با عوامل متعددی در سطح ملی و بین‌المللی به رقابت پرداخته و فعالیت‌های خود را از طریق سرمایه‌گذاری‌های جدید گسترش می‌دهند. برای گام برداشتن در مسیر پیشرفت و سودآوری، شرکت‌ها باید جهت سرمایه‌گذاری منابع مالی مورد نیاز خود را به خوبی را تعیین و مورد استفاده قرار دهد. این ممکن است برای شرکت‌ها نگرانی‌هایی به همراه داشته باشد که مبادا تصمیمات امروز، فرصت‌های رشد و پیشرفت شرکت یا تأمین منابع مالی آینده را با خطر مواجه سازد؛ در این حالت برای شرکت‌ها وضعیت پرمخاطره‌ای ایجاد می‌شود که باعث ایجاد نگرانی نسبت به تصمیمات تأمین مالی و وضعیت اعتباری خود می‌شوند. به صورت کلی شرکت‌ها نگران آن هستند که نتوانند اصل و فرع بدهی‌های خود را به موقع پرداخت نمایند و دچار درماندگی مالی شوند؛ این موضوع نه تنها برای خود شرکت بلکه برای سایر ذینفعان، سرمایه‌گذاران بالقوه و اعتباردهندگان سایر کشورها دارای اهمیت می‌باشد تا از این طریق بتوانند وضعیت اعتباری شرکت را رصد نمایند. درماندگی مالی منجر به هدررفتن منابع و عدم بهره‌گیری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری شده و هزینه‌های زیادی می‌شود که با تشخیص به موقع شرکت‌ها قبل از دچار شدن به درماندگی مالی اهمیت آن دوچندان می‌شود [۴]. خواجوی و همکاران (۱۳۹۷)، در مطالعه خود بین خودشیفتگی مدیران و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی رابطه‌ای معنادار یافتند. نتایج نشان داد بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی نیز رابطه وجود دارد. همچنین مورد تأیید قرار گرفتن نقش تعدیلی خودشیفتگی مدیران بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی از دیگر نتایج پژوهش به شمار می‌رود [۳]. با توجه به اینکه شرکت‌ها تحت تأثیر ویژگی‌های مدیران خود قرار می‌گیرند و باعث می‌شود عملکرد شرکت تحت تأثیر قرار گیرد، ضروری است که به بررسی اثرگذاری ویژگی‌های مدیران بر انعطاف‌پذیری مالی را مورد سنجش قرار داد و از طرفی ارتباط سیاسی بین آن‌ها و

دولت نیز مورد بحث قرار گیرد؛ چراکه انتظار می‌رود ارتباط سیاسی شرکت‌ها در انعطاف‌پذیری مالی نقش داشته باشد. در این پژوهش به بررسی تأثیر ویژگی‌های رفتاری مدیران به انعطاف‌پذیری مالی شرکت با نقش میانجی ارتباط سیاسی در شرکت‌ها پرداخته شده است؛ از آنجا که انعطاف‌پذیری مالی شرکت یکی از مولفه‌های مهم برای مدیران و سهامداران یا ذی‌نفعان می‌باشد، می‌بایست عوامل اثرگذار بر آن شناسایی شوند که در این پژوهش ویژگی‌های رفتاری مدیران و ارتباط سیاسی در نظر گرفته شده‌اند؛ از این رو، ضروری بود به موضوع فوق پرداخته شود، لذا به نظر می‌رسد انجام این پژوهش که تأثیر ویژگی‌های رفتاری مدیران بر انعطاف‌پذیری مالی شرکت با نقش میانجی ارتباط سیاسی مورد سنجش قرار گیرد؛ برای شرکت‌ها و مدیران آن‌ها لازم و ضروری باشد.

رضوی‌نسب و پورزمانی (۱۴۰۳)، به بررسی رویکردهای شناختی مدیران (احتیاط و محافظه‌کاری و خوش‌بینی-بدبینی) در هنگام تصمیم‌گیری بر ایفای مسئولیت اجتماعی پرداختند. نتایج نشان داد بین احتیاط و محافظه‌کاری مدیران و خوش‌بینی مدیران با ایفای مسئولیت اجتماعی در سطح اطمینان ۳۹ درصد ارتباط معناداری وجود دارد. به طور کلی نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی مدیران بر ایفای مسئولیت اجتماعی مدیران در شرکت‌ها تأثیرگذار است [۵].

دارابی و موسوی (۱۴۰۳)، به بررسی ارتباط بین انعطاف‌پذیری مالی بر استراتژی سرمایه‌گذاری پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که انعطاف‌پذیری مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر معنی‌داری دارد ولی بر استراتژی‌های مدیریت سرمایه در گردش تأثیرگذار نمی‌باشد. از طرفی دیگر انعطاف‌پذیری مالی با در نظر گرفتن نوع استراتژی استراتژی سرمایه در گردش شرکت‌ها بر کارایی سرمایه‌گذاری آنها تأثیرگذار نمی‌باشد [۷].

لاری دشت بیاض و مرندی [۱۴۰۳]، به مطالعه رابطه بین ارتباطات سیاسی و انعطاف‌پذیری مالی؛ با استفاده از مدل ظرفیت مازاد بدهی پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود، زمانی که عضو هیئت‌مدیره شرکت‌ها علاوه بر نماینده دولت بودن، از اعضای موظف هیئت‌مدیره باشد، رابطه مثبتی بین ارتباطات سیاسی و انعطاف‌پذیری مالی (ظرفیت مازاد بدهی) وجود دارد. دیگر نتایج حاکی از تأثیر منفی ارتباطات سیاسی بر اهرم شرکت‌ها بود. همچنین شواهد کمی در رابطه بین ارتباطات سیاسی و نسبت نقدی شرکت‌ها حاصل شد. در نهایت نتایج نشان داد که با افزایش سطح ارتباطات سیاسی، قابلیت وثیقه‌گذاری شرکت‌ها کاهش یافته و منجر به افزایش سطح انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها می‌گردد [۱۰]. محمدزاده و فلاح (۱۴۰۲)، به بررسی ارتباط بین انعطاف‌پذیری مالی و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد رابطه ای معنادار میان انعطاف‌پذیری مالی و سیاست تقسیم سود وجود دارد [۱۲].

مانده گاری اندانی و دموری (۱۴۰۲)، به بررسی تأثیر انعطاف‌پذیری مالی، کارایی مدیریتی و چرخه عمر بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق پرداختند. نتایج نشان داد که انعطاف‌پذیری مالی و کارایی مدیریتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها تأثیری مثبت دارد. همچنین پس از تفکیک شرکت‌ها به مراحل مختلف چرخه عمر، کارایی مدیریت در مرحله افول چرخه عمر شرکت‌ها بیشترین تأثیر را بر

روی عملکرد دارد در حالی که در مرحله رشد و سپس بلوغ، کارایی مدیریت دارای کمترین تأثیر می‌باشد. بیشترین تأثیر انعطاف‌پذیری مالی بر عملکرد مالی شرکت به ترتیب در مراحل بلوغ، افول و رشد می‌باشد. بررسی تأثیر همزمان و تعاملی انعطاف‌پذیری مالی و کارایی مدیریت بر عملکرد مالی شرکت نشان می‌دهد که اگر تأثیر یکی از آنها ضعیف باشد و دیگری موثر و کارا باشد، در این صورت همانند چتری دیگری را پوشش می‌دهد [۱۱].

هاشمی پورنصری و همکاران (۱۴۰۲)، تأثیر عوامل ناشی از ساختار سیاسی-اقتصادی کشور بر میزان چسبندگی هزینه‌های شرکت‌ها را بررسی نمودند. نتایج حاصل شده از آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داد که انتخابات سیاسی کشور، ساختار مالکیت دولتی، رشد تولید ناخالص داخلی، ارتباطات سیاسی و میزان تورم حاکم بر کشور بر میزان چسبندگی هزینه‌های شرکت‌ها تأثیرگذار می‌باشند [۱۵].

ملکیان و همکاران (۱۴۰۲)، شوک نقدینگی، انعطاف‌پذیری مالی و سرعت تعدیل سود تقسیمی سهام را بررسی نمودند. نتایج نشان داد ارزش نهایی وجه نقد و ظرفیت بدهی استفاده نشده تأثیر معناداری بر سرعت تعدیل سود تقسیمی سهام ندارد. همچنین شوک نقدینگی بر ارتباط بین ارزش نهایی وجه نقد و ظرفیت بدهی استفاده نشده بر سرعت تعدیل سود تقسیمی سهام تأثیری ندارد. در توجیه رابطه مثبت بین ارزش نهایی وجه نقد و سرعت تعدیل سود تقسیمی میتوان گفت هر شرکتی که انعطاف‌پذیری مالی بالاتری داشته باشد، در مجموع با ریسک کمتری مواجه بوده و موجب بهبود عملکرد مدیران هنگام استفاده از فرصت‌های رشد و سرمایه‌گذاری شده و در نهایت هموارسازی سود تقسیمی آنها بالاتر است. در توجیه رابطه منفی بین ظرفیت بدهی استفاده نشده و سرعت تعدیل سود تقسیمی می‌توان گفت هر شرکتی که ظرفیت بدهی استفاده نشده بالاتری داشته باشد، هموارسازی سود تقسیمی آنها پایین‌تر است [۱۳].

زنگانه و همکاران (۱۴۰۱)، تأثیر ویژگی‌های رفتاری مدیران بر انعطاف‌پذیری مالی شرکت: با نقش تعدیلی ارتباط سیاسی و کارایی مدیرعامل را بررسی نمودند. نتایج نشان داد که بین خوش‌بینی مدیرعامل و انعطاف‌پذیری مالی شرکت ارتباط معنادار وجود ندارد اما بین بیش‌اطمینانی و کوتاه‌بینی مدیرعامل و انعطاف‌پذیری مالی شرکت ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. کارایی مدیرعامل رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیرعامل و انعطاف‌پذیری مالی شرکت و از سوی دیگر، ارتباط سیاسی رابطه بین کوتاه‌بینی مدیرعامل و انعطاف‌پذیری مالی شرکت را تعدیل می‌کند [۶].

زنگانه و همکاران (۱۴۰۱)، تأثیر خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مدیرعامل بر ابعاد مدیریت ریسک شرکت با توجه به نقش تعدیلی ارتباط سیاسی و کارایی مدیرعامل را بررسی نمودند. نتایج نشان داد که بین خوش‌بینی مدیرعامل و راهبرد و عملیات شرکت رابطه منفی و با گزارشگری شرکت رابطه مثبت برقرار است و از طرفی میان کوتاه‌بینی مدیرعامل و راهبرد و انطباق، شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. ارتباط سیاسی مدیرعامل رابطه بین خوش‌بینی مدیرعامل و عملیات شرکت و رابطه بین کوتاه‌بینی و انطباق، شرکت را تعدیل منفی می‌کند و از سوی دیگر کارایی بر رابطه بین خوش‌بینی مدیرعامل و انطباق و راهبرد شرکت تأثیر مثبت و بر عملیات شرکت تأثیر منفی دارد و کارایی مدیرعامل نقش

تعدیلگر مثبت بر رابطه بین کوتاه‌بینی و راهبرد و گزارشگری و نقش تعدیلگر منفی با عملیات شرکت دارد [۸].

ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۱)، به بررسی اثر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین محدودیت مالی و ریسک درماندگی مالی با بازده غیرعادی پرداختند. نتایج نشان داد ارتباطات سیاسی بر محدودیت مالی و ریسک درماندگی مالی اثری منفی و معنادار دارد، همچنین ارتباطات سیاسی شدت رابطه منفی میان محدودیت مالی با بازده غیرعادی سهام را تقویت می‌کند. درواقع، شرکت‌های دچار محدودیت مالی و همزمان بهره‌مند از ارتباطات سیاسی، نسبت به شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی که از محدودیت مالی رنج می‌برند، بازده غیرعادی کمتری دارند. به علاوه، ارتباطات سیاسی، جهت رابطه منفی میان ریسک درماندگی مالی و بازده غیرعادی را به مثبت تغییر می‌دهد. به بیانی دیگر، شرکت‌هایی که دچار درماندگی مالی اند و در عین حال ارتباط سیاسی دارند، بازده غیرعادی بیشتری نسبت به شرکت‌های فاقد ارتباطات سیاسی دچار درماندگی مالی دارند [۱].

فرخ و جهان‌شاد (۱۴۰۱)، خود شیفتگی مدیران، انتخاب سبک‌های رهبری در حسابداری را بررسی نمودند. یافته‌های پژوهش نشان داد که خودشیفتگی مدیران بر سبک رهبری تحول‌گرا در حسابداری-در مقایسه با عملگرا- تأثیر بیشتری داشته است. علاوه بر این، خودشیفتگی مدیران بر سبک رهبری عملگرا و سبک رهبری تحول‌گرا در تعیین استراتژی تجاری شرکت‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مدیریت سود و کیفیت گزارشگری مالی تأثیرگذار است [۱۰].

وو و همکاران (۲۰۲۴)، تأثیر انعطاف‌پذیری مالی بر عملکرد شرکت با اثرات تعدیل‌کننده کارایی سرمایه‌گذاری و مقیاس سرمایه‌گذاری را بررسی کردند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری مالی از طریق کاهش سرمایه‌گذاری بیش از حد، ناکارآمدی سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. انعطاف‌پذیری مالی به افزایش عملکرد حسابداری و بازار شرکت کمک می‌کند. علاوه بر این، کارایی سرمایه‌گذاری و مقیاس سرمایه‌گذاری اثرات تعدیل‌کننده‌ای بر رابطه بین انعطاف‌پذیری مالی و عملکرد شرکت دارند. با این حال، تأثیر کارایی سرمایه‌گذاری بیشتر از تأثیر مقیاس سرمایه‌گذاری است. در نهایت، نویسندگان دریافته‌اند که اثرات مستقیم و غیرمستقیم انعطاف‌پذیری مالی بر عملکرد بازار قوی‌تر از عملکرد حسابداری است که نشان می‌دهد بازار نسبت به سیاست‌های مالی شرکت حساس‌تر است [۲۲].

لی و همکاران (۲۰۲۳)، تأثیر انعطاف‌پذیری مالی و کارایی مدیریتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها در صنعت تکنولوژی را بررسی کرد. مطالعه آن‌ها نشان داد که انعطاف‌پذیری مالی و کارایی مدیریتی تأثیر مثبتی بر عملکرد مالی شرکت دارد و همچنین انعطاف‌پذیری مالی برای شرکت‌ها در مراحل اولیه چرخه عمر حیاتی‌تر است، درحالی‌که کارایی مدیریتی برای شرکت‌ها در مراحل بعدی چرخه عمر حیاتی‌تر است [۲۱].

بری و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهش خود به بررسی انعطاف‌پذیری مالی شرکت در زمان بحران پرداختند. نتایج نشان داد که اول اینکه انعطاف‌پذیری مالی به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا هزینه‌های

سرمایه‌ای خود را بر اساس چشم‌انداز کسب و کار خود در بحران افزایش یا کاهش دهند که ناشی از انعطاف‌پذیری مالی می‌باشد و مورد دوم اینکه انعطاف‌پذیری مالی به اشتغال و سرمایه‌گذاری قوی‌تر کمک می‌کند، به ویژه زمانی که هزینه‌های ثابت بالا باشد [۱۶].

چن و لی (۲۰۲۲)، تأثیر انعطاف‌پذیری مالی را بر عملکرد مالی شرکت‌های فهرست‌شده چینی بررسی کردند. این مطالعه نشان داد که انعطاف‌پذیری مالی تأثیر مثبتی بر عملکرد مالی دارد و شرکت‌هایی که انعطاف‌پذیری مالی بالایی دارند عملکرد مالی بهتری نسبت به شرکت‌هایی با انعطاف‌پذیری مالی پایین دارند [۱۸].

اینام بوتا و همکاران (۲۰۲۲)، پژوهشی با عنوان توانایی مدیریتی و عملکرد شرکت انجام دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که نشان می‌دهد که مدیران توانمندتر عملکرد شرکت را به میزان قابل‌توجهی افزایش می‌دهند در حالی که مدیران کم‌توان عملکرد شرکت را به میزان قابل‌توجهی کاهش می‌دهند. یافته‌های آن‌ها نشان داد مدیران توانمند ارزش شرکت را افزایش می‌دهند و تأثیرات آن در شرکت‌های با محدودیت مالی قوی‌تر است. این مطالعه شواهد جدیدی ارائه می‌دهد که مدیران توانمند منابع نامشهود را در شرکت‌ها به ارمغان می‌آورند که حتی در محیط چالش‌برانگیز و سیستم‌های ضعیف قانونی نیز عملکرد شرکت را بهبود می‌یابد [۲۰].

هریماوان و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر ریسک ورشکستگی پرداخته‌اند نتایج نشان داد شرکت‌های با ارتباط سیاسی، ریسک ورشکستگی بالاتری نسبت به شرکت‌های غیروابسته دارند. همچنین، نتایج نشان داد شرکت‌های با ارتباطات سیاسی و دارای اهرم بالا نسبت به شرکت‌های وابسته سیاسی با اهرم پایین و شرکت‌های غیروابسته، ریسک ورشکستگی کمتری دارند و این می‌تواند به علت تفاوت در انگیزه شرکت‌ها برای داشتن ارتباطات سیاسی باشد [۱۹].

روش پژوهش

روش منتخب با توجه به موضوع پژوهش (بررسی تأثیر ویژگی‌های رفتاری مدیران بر انعطاف‌پذیری مالی شرکت با نقش میانجی ارتباط سیاسی)، روش توصیفی - پیمایشی می‌باشد. این مطالعه از نظر هدف، جزء تحقیقات کاربردی است و جزء پژوهش‌های کمی می‌باشد و برای سنجش متغیرها، از پرسشنامه ساختاریافته استفاده شد و برای امتیازدهی یا کمی‌سازی آن نیز با طیف لیکرت انجام شده است؛ همچنین برای تأیید و یا رد فرضیه‌ها از آزمون‌های آماری و روش معادلات ساختاری استفاده و با نرم افزار Smart-pls سنجیده شده‌اند. گاهی برای انجام پژوهش‌های کمی، از معادلات ساختاری استفاده می‌شود که یکی از روش‌های دقیق و کاربردی در این‌گونه مطالعات می‌باشد.

جامعه و نمونه آماری: در این مطالعه، جامعه آماری نامحدود شامل شرکت‌های مختلف ایران (شرکت‌های تولیدی، صنعتی و بازرگانی) و به روش مقطعی در نیمه اول سال ۱۴۰۳ بوده است و نمونه آماری نیز به روش جدول مورگان انتخاب شد که مدیران (مدیران ارشد، اجرایی، بازاریابی، فروش، روابط عمومی، منابع انسانی، مدیر تولید و مدیر مالی) فعال در شرکت را در برمی‌گیرد و با توجه به این جدول، جامعه آماری ۲۰۰ نفری، تعداد آن‌ها به ۱۲۷ نفر رسیده است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی: ویژگی‌های رفتاری مدیران بر انعطاف‌پذیری مالی شرکت با نقش میانجی ارتباط سیاسی اثرگذار می‌باشد.

فرضیه فرعی اول: ویژگی‌های رفتاری مدیران بر انعطاف‌پذیری مالی شرکت اثرگذار می‌باشد.

فرضیه فرعی دوم: ویژگی‌های رفتاری مدیران بر ارتباط سیاسی اثرگذار می‌باشد.

فرضیه فرعی سوم: ارتباط سیاسی بر انعطاف‌پذیری مالی اثرگذار می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جنسیت، سن، تحصیلات افراد در دسترس نمونه آماری مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۱- توزیع فراوانی نمونه آماری

جنسیت	فراوانی	درصد	دامنه سنی	فراوانی	درصد	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
آقا	۱۱۶	۹۱/۳۳	۲۰ تا ۳۰ سال	۶	۴/۷۲	کاردانی	۳	۲/۳۶
خانم	۱۱	۸/۶۷	۳۰ تا ۴۰ سال	۳۶	۲۸/۳۵	کارشناسی	۲۷	۲۱/۲۶
			۴۰ تا ۵۰ سال	۶۴	۵۰/۴۰	کارشناسی ارشد	۷۱	۵۵/۹۰
			بالتر از ۵۰	۲۱	۱۶/۵۳	دکتری	۲۶	۲۰/۴۸
کل	۱۲۷	۱۰۰	کل	۱۲۷	۱۰۰	کل	۱۲۷	۱۰۰

فرآیند تجزیه و تحلیل متغیرها: با توجه به پرسشنامه که از طیف لیکرت استفاده شده، عددیک بیانگر حد ضعیف و عدد ۳ بیانگر حد وسط و عدد ۵ بیانگر حد بالا در طیف لیکرت می‌باشد که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۲- تجزیه و تحلیل متغیرها در مدل

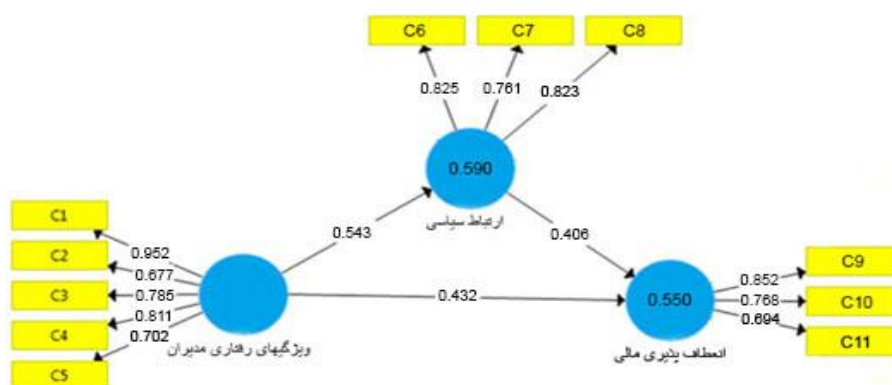
متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
ویژگی‌های رفتاری مدیران	۱/۰۰	۵/۰۰	۴/۳۱	۰/۳۴
ارتباط سیاسی	۱/۰۰	۵/۰۰	۴/۲۱	۰/۲۸
انعطاف‌پذیری مالی	۱/۰۰	۵/۰۰	۴/۲۳	۰/۳۱

همانطور که مشخص است بیشترین میانگین مربوط به ویژگی‌های رفتاری مدیران با میزان ۴/۳۱ و کمترین میانگین مربوط به ارتباط سیاسی با ۴/۲۱ است.

جدول ۳- تعریف شاخص‌ها در نرم افزار

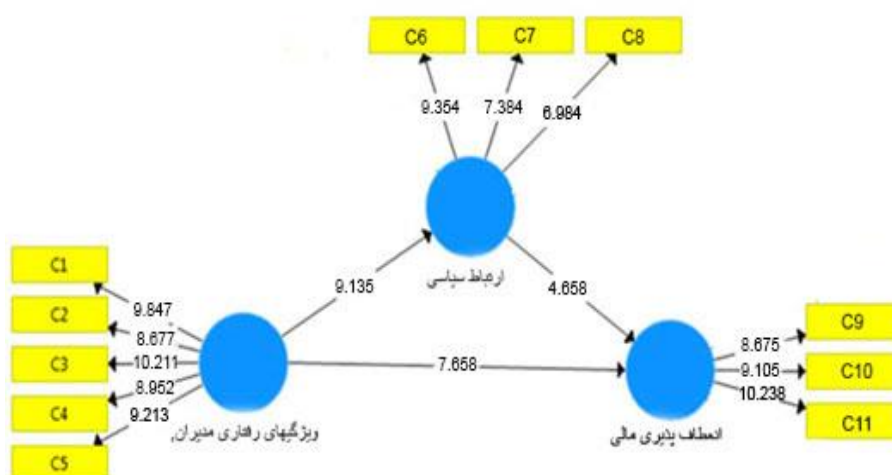
تعریف در مدل	شاخص
Behavioral characteristics of managers	ویژگی‌های رفتاری مدیران
Political communication	ارتباط سیاسی
Financial flexibility	انعطاف‌پذیری مالی
C1	هوش هیجانی و هوش غیرکلامی
C2	ارتباطات و شنیدن
C3	اعتماد به نفس و تصمیم‌گیری
C4	انعطاف‌پذیری و احترام به کارکنان
C5	صداقت و از خود گذشتگی
C6	کارایی مطلوبیت مالی
C7	کارایی تغییرات راهبرد سرمایه‌گذاری
C8	کارایی تغییرات عملیاتی
C9	رسانه‌های جمعی
C10	گروه‌های فشار و احزاب سیاسی
C11	تماس‌های بین افراد

چگونگی آزمون و روش‌های ارزیابی مدلهای سنجش انعکاسی: با کمک نرم افزار PLS بارهای عاملی مدل اندازه‌گیری شد و برای متغیرهای ویژگی‌های رفتاری مدیران، ارتباط سیاسی و انعطاف‌پذیری مالی مشخص گردید. شکل زیر مدل پژوهش را در حالت استاندارد با استفاده از آزمون t -value نشان داده شده است. نتایج آزمون فرضیه‌ها براساس تخمین ضرایب استاندارد در نمودار منعکس شده‌اند.



شکل ۱- مدل پژوهش در نرم افزار PLS براساس تخمین ضرایب استاندارد

در این مطالعه ویژگی‌های رفتاری مدیران متغیر برون‌زا، انعطاف‌پذیری مالی متغیر درون‌زا و ارتباط سیاسی هم درون‌زا و هم برون‌زا می‌باشد. در نمودار زیر نیز ضرایب معناداری فرضیه‌ها با استفاده از آزمون t برای تمامی بارهای عاملی در سطح ۹۵ درصد مشخص و تأیید شده و معناداری سازه‌های خود را نمایان می‌سازد. برای معناداری این ضرایب نیز اگر بار عاملی بین $(-۱/۹۶)$ و $(+۱/۹۶)$ قرار بگیرد معنادار نمی‌باشد.



شکل ۲- مدل پژوهش در نرم افزار PLS براساس ضرایب معناداری فرضیه‌ها

شکل ۲ مدل معادلات ساختاری تحقیق را در حالت معناداری ضرایب (t -value) نشان می‌دهد. این مدل در واقع تمامی معادلات اندازه‌گیری (بارهای عاملی) و معادلات ساختاری را با استفاده از آماره t ، آزمون می‌کند. بر طبق این مدل، تمامی ضرایب مسیر و بارهای عاملی در حالت استاندارد در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشند. اگر مقدار آماره t خارج از بازه $-۱/۹۶$ تا $+۱/۹۶$ قرار گیرد، مدل در حالت معناداری، نشان می‌دهد که تمامی بارهای عاملی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار هستند. مقادیر محاسبه شده t برای هر یک از بارهای عاملی هر نشانگر با سازه یا متغیر پنهان خود بالای $۱/۹۶$ است. لذا میتوان همسویی سوالات پرسشنامه برای اندازه‌گیری مفاهیم را در این مرحله معتبر نشان داد. در واقع نتایج جدول فوق نشان می‌دهد آنچه محقق توسط سوالات پرسشنامه قصد سنجش آنها را داشته است توسط این ابزار محقق شده است.

پایایی و روایی مدل اندازه‌گیری و آزمون‌های مربوطه: با استفاده از آزمون‌های مختلف روایی و پایایی پرسشنامه تأیید شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون‌های مختلف

متغیرها	ضریب آلفای پایایی سازگاری درونی
ویژگی‌های رفتاری مدیران	۰/۸۸۲۳
ارتباط سیاسی	۰/۸۴۱۲
انعطاف‌پذیری مالی	۰/۸۱۰۲
** متغیرها	ضرایب پایایی مرکب
ویژگی‌های رفتاری مدیران	۰/۸۱۲۵
ارتباط سیاسی	۰/۸۰۲۵
انعطاف‌پذیری مالی	۰/۸۲۵۴
*** متغیرها	متوسط واریانس استخراج شده AVE
ویژگی‌های رفتاری مدیران	۰/۶۳۱۷
ارتباط سیاسی	۰/۶۰۳۷
انعطاف‌پذیری مالی	۰/۶۵۸۵
**** متغیرها	روایی همگرا از جذر AVE
ویژگی‌های رفتاری مدیران	۰/۸۲۳۳
ارتباط سیاسی	۰/۷۹۱۲
انعطاف‌پذیری مالی	۰/۷۱۸۱

در جدول ۴ با توجه به نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که مدل از روایی و اگرایی خوبی برخوردار است.

جدول ۵- نتایج مقایسه جذر AVE یک متغیر با میزان همبستگی آن با سایر متغیرها

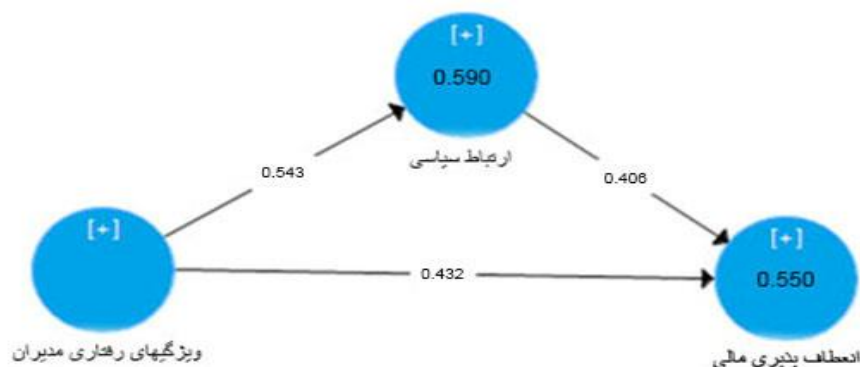
متغیرها	ویژگی‌های رفتاری مدیران	ارتباط سیاسی	انعطاف‌پذیری مالی
ویژگی‌های رفتاری مدیران	۰/۸۸۲۳		
ارتباط سیاسی	۰/۶۴۳۸	۰/۸۴۱۲	
انعطاف‌پذیری مالی	۰/۵۶۳۷	۰/۴۹۲۸	۰/۸۱۰۲

جدول ۶- روایی و همگرایی فورنل و لارکر

متغیرها	ویژگی‌های رفتاری مدیران	ارتباط سیاسی	انعطاف‌پذیری مالی
ویژگی‌های رفتاری مدیران	۰/۸۱		
ارتباط سیاسی	۰/۱۴	۰/۸۸	

۰/۷۹	۰/۱۸	۰/۰۹	انعطاف‌پذیری مالی
------	------	------	-------------------

نتایج در جدول ۵ روایی و هگرای با استفاده آزمون فورنل و لارکر تأیید شده است. روش ارزیابی مدل‌های سنجش شکل دهنده: ضریب تعیین R^2 به عنوان یکی از راه‌های ارزیابی مدل شکل دهنده به کار برده می‌شود. ضریب تعیین R^2 برای متغیرها در نمودار زیر مشخص شده است.



شکل ۳- ارزیابی مدل‌های سنجش شکل دهنده

میتوان اشاره کرد که ویژگی‌های رفتاری مدیران توانسته است ۰/۵۹۰ از واریانس متغیر بکارگیری ارتباط سیاسی را توضیح دهد. ویژگی‌های رفتاری مدیران و ارتباط سیاسی توانسته‌اند با ضریب ۰/۵۵۰ از واریانس انعطاف‌پذیری مالی را توضیح دهند؛ با این وجود می‌توان نتیجه گرفت که مدل از قابلیت پیش‌بینی بالایی برخوردار است و مقدار باقیمانده مربوط به خطای پیش‌بینی می‌باشد و می‌تواند شامل دیگر عامل تأثیرگذار بر ارتباط سیاسی و انعطاف‌پذیری مالی باشد. نتایج برازش کلی مدل با معیار GOF: همانطور که مشاهده می‌شود:

$$GOF = \sqrt{0.673} * 0.590 = 0.630$$

نتایج مقدار معیار GOF برابر با ۰/۶۳۰ می‌باشد که نشان از برازش قوی مدل کلی پژوهش دارد. بنابراین می‌توان اینگونه برداشت نمود که مدل ارائه شده دارای برازش مطلوبی بوده و داده‌های گردآوری شده به خوبی توانسته‌اند مدل طراحی شده را پوشش دهند.

پاسخ به فرضیه‌های پژوهش براساس روش کمترین توان جزئی (PLS): طبق نتایج به دست آمده از ضریب β (۰/۲۸۳) و آماره t (۳/۱۳۶) و (۵/۸۲۶) مشخص شد که ویژگی‌های رفتاری مدیران بر انعطاف‌پذیری مالی با نقش تعدیلی ارتباط سیاسی اثری مثبت و معنادار دارد و فرضیه اصلی را تأیید می‌کند.

طبق نتایج به دست آمده از ضریب β (۰/۳۶۲) و آماره t (۶/۵۹۸) مشخص شد که ویژگی‌های رفتاری مدیران بر انعطاف‌پذیری مالی اثری مثبت و معنادار دارد.

طبق نتایج به دست آمده از ضریب β (۰/۴۵۷) و آماره t (۵/۸۰۲) مشخص شد که ویژگی‌های رفتاری مدیران بر ارتباط سیاسی اثری مثبت و معنادار دارد.

طبق نتایج به دست آمده از ضریب β (۰/۲۶۸) و آماره t (۲/۵۵۸) مشخص شد که ارتباط سیاسی بر انعطاف‌پذیری مالی اثری مثبت و معنادار دارد.

بحث و نتیجه گیری

به طور کلی نتایج نشان می‌دهد که ویژگی‌های رفتاری مدیران بر انعطاف‌پذیری مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد و از طرفی ارتباط سیاسی تأثیرگذاری فوق را (ویژگی‌های رفتاری مدیران بر انعطاف‌پذیری مالی) تعدیل میکند. به بیانی دیگر، ویژگی‌های رفتاری مدیران می‌تواند بر انعطاف‌پذیری مالی با کمک و تعدیل نقش ارتباط سیاسی اثرگذار باشد. بنابراین، می‌توان اشاره کرد مدیران شرکت‌ها برای اینکه انعطاف‌پذیری مالی مثبتی داشته باشند، به مولفه‌های ویژگی‌های رفتاری مدیران و ارتباط سیاسی اهمیت نشان دهند. با این وجود، مدیران باید برای اینکه کارایی مالی بهتری داشته باشند، می‌بایست عوامل رفتاری خود را کنترل نمایند و هرکدام از این عوامل که نقش بهتری در کارایی مالی و سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کند را به کارگیرند تا به نتیجه و عملکرد بهتری دست یابند. از طرفی ارتباط سیاسی و با مولفه‌هایی که در این راستا به کار برده شده‌اند نیز مورد بررسی قرار گیرند و باعث شود باتوجه به اهمیت و نقش آن در شرکت‌ها و نحوه اثرگذاری آن‌ها در کارایی مالی و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و ایجاد عملکردی مناسب‌تر را به خاطر سپرد تا در برنامه‌های خود از آن بهره برد. این نتایج با پژوهش چن و لی (۲۰۲۲)، لینگ و همکاران (۲۰۱۷)، پیری و همکاران (۱۴۰۱)، هم‌راستا و سازگار می‌باشد و با پژوهش چانگ و ماء (۲۰۱۸)، هم‌سو و سازگار نیست.

می‌توان پیشنهاد نمود به مدیران شرکت‌ها جهت افزایش انعطاف‌پذیری مالی در راستای کارایی مالی، سرمایه‌گذاری و عملیاتی به ویژگی‌های رفتاری مدیران و مولفه‌های مربوط به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند و از طرفی ارتباط سیاسی را نیز به عنوان یک شاخص اثرگذار دست کم نگیرند. در این راستا می‌توان استراتژی‌ها و راهکارهایی را برنامه‌ریزی نمود و در اختیار مدیران قرار داد تا با بهره‌گیری از آن بتوانند میزان عملکرد مالی و با انعطاف‌پذیری مالی را به سمت کارایی بیشتر تغییر دهند. بنابراین، آموزش‌های مناسب در این راستا نیز می‌تواند به مدیران کمک نماید تا با آگاهی کامل‌تر بتوانند اهداف خود را از پیش ببرند.

نتایج فرضیه فرعی اول حاکی از آن است که ویژگی‌های رفتاری مدیران بر انعطاف‌پذیری مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. به بیانی دیگر، مولفه‌ها و شاخص‌های مربوط به ویژگی‌های رفتاری مدیران مانند هوش هیجانی و هوش غیرکلامی، ارتباطات و شنیدن، اعتماد به نفس و تصمیم‌گیری، انعطاف‌پذیری و احترام به کارکنان، صداقت و از خود گذشتگی بر انعطاف‌پذیری مالی اثری مثبت ایجاد می‌کند؛ چراکه وجود هریک از مولفه‌ها در مدیران و کارکنان انگیزه بهتری ایجاد می‌کند تا بتوانند کارایی مالی یک شرکت را بهبود بخشند و یا اینکه با قدرت بیشتری به فعالیت‌های خود بپردازند تا با نتیجه‌گیری عملکرد خود بتوانند انعطاف‌پذیری مالی را به سمت نتایج مثبت و رشد سوق دهند. به صورت کلی وجود

این شاخص‌ها علاوه بر تأثیر بر خود مدیران می‌تواند برای کارکنان و یا سایر افرادی که با آن‌ها تعامل دارند نیز مفید واقع شود و در نهایت منجر به عملکرد مالی بهتر شود و انعطاف‌پذیری بیشتری را نشان می‌دهد. اگرچه ممکن است مولفه‌های دیگری از رفتار مدیران باعث کاهش کارایی مالی شرکت‌ها شود. این نتایج با پژوهش لی و همکاران (۲۰۲۳)، المامون و همکاران (۲۰۲۰)، محمدزاده و فلاح (۱۴۰۲)، هم‌راستا و سازگار می‌باشد و با پژوهش نوروزی و همکاران (۱۴۰۰)، هم‌سو و سازگار نمی‌باشد.

در این راستا می‌توان به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد نمود جهت رشد و تقویت انعطاف‌پذیری مالی به سمت کارایی و عملکردی بهتر، به مولفه‌های مربوط به ویژگی‌های رفتاری مدیران اهمیت نشان دهند و با بکارگیری هریک از آن‌ها بتوانند گامی موثر در مسیر اهداف خود بردارند که در این راستا نیز می‌توان به صورت یک چارت مشخص نمود تا بتوان بهتر مولفه‌ها را شناخت و یا اینکه مسیر بکارگیری آن آسان‌تر و راحت‌تر تنظیم شده باشد و یا اینکه از کارشناسان و برنامه‌ریزان خواست که الگوهایی را در این راستا تنظیم نمایند تا مدیران بتوانند از آن استفاده نمایند.

نتایج فرضیه فرعی دوم حاکی از آن است که ویژگی‌های رفتاری مدیران بر ارتباط سیاسی اثری معنادار ایجاد می‌کند. به بیانی دیگر، ویژگی‌های رفتاری مدیران و مولفه‌های مربوط به این شاخص می‌تواند مولفه‌های ارتباط سیاسی نظیر رسانه‌های جمعی، گروه‌های فشار و احزاب سیاسی، تماس‌های بین افراد را تحت تأثیر خود قرار دهد. باین وجود، شاخص‌های مربوط به ویژگی‌های رفتاری مدیران باعث می‌شود به ارتباط سیاسی و مولفه‌های مربوط به آن واکنش نشان دهند و در برنامه‌های خود از آن استفاده نمایند. به صورت کلی مدیرانی که دارای مولفه‌های مطرح شده در این پژوهش هستند می‌توانند ارتباطات سیاسی و مولفه‌های مربوط به آن را تحت تأثیر قرار دهند، به طوری که بیشتر نتایج و عملکرد شرکت از آن ناشی می‌شود و به بیانی دیگر در عملکرد شرکت نقش موثری ایفا نمایند. این نتایج با پژوهش هو و همکاران (۲۰۱۶)، مانده گاری اندانی و دموری (۱۴۰۲)، زنگانه و همکاران (۱۴۰۱)، هم‌راستا و سازگار می‌باشد و از طرفی با پژوهش زنگانه و همکاران (۱۴۰۱)، هم‌سو و سازگار نیست.

در این راستا می‌توان به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد نمود جهت بکارگیری ارتباط سیاسی به سمت عملکردی بهتر و ارائه نتایجی مناسب‌تر به ویژگی‌های رفتاری و مولفه‌های مربوط به آن اهمیت دهند و با روشی مناسب و بکارگیری این مولفه‌ها بتوانند ارتباط سیاسی خود را در زمینه عملکردی بهتر به نمایش بگذارند. در این راستا نیز می‌توان علاوه بر آموزش‌های مناسب، می‌توان از تجربیات اشخاص و افراد دیگری مانند مدیران سابق و مجرب شرکت‌ها استفاده نمایند تا بتوانند فعالیت‌های خود را در راستای اهداف از پیش تعیین‌شده توسط کارشناسان و برنامه‌ریزان پیش ببرند.

نتایج فرضیه فرعی سوم حاکی از آن است که ارتباط سیاسی بر انعطاف‌پذیری مالی نقش مثبت و معناداری ایجاد می‌کند. نتایج نشان داد ارتباط سیاسی می‌تواند بر مولفه‌های انعطاف‌پذیری مالی مانند کارایی مطلوبیت مالی، کارایی تغییرات راهبرد سرمایه‌گذاری و کارایی تغییرات عملیاتی اثرگذار باشد به صورتی که باعث تقویت و رشد عملکرد مالی، سرمایه‌گذاری و عملیاتی شود. با تغییرات مثبت در این سه مولفه می‌توان گفت انعطاف‌پذیری مالی باعث عملکرد بهتر و سودآوری بیشتر در شرکت می‌شود. با این

وجود، رسانه‌های جمعی، گروه‌های فشار و احزاب سیاسی، تماس‌های بین افراد می‌تواند باعث شود که مدیران تصمیم بهتری در زمینه کارایی مالی، سرمایه‌گذاری و عملیاتی بگیرند و در نتیجه به عملکرد بهتری دست یابند و یا اینکه اهداف شرکت‌ها را با فعالیت‌های مربوط به آن بهتر وفق دهند. این نتایج با پژوهش هریماون و همکاران (۲۰۲۰)، لینگ و همکاران (۲۰۱۷)، زنگانه و همکاران (۱۴۰۱)، هم‌راستا و سازگار می‌باشد؛ و با پژوهش ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۱)، هم‌سو و سازگار نیست.

در این راستا می‌توان به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد نمود جهت رشد و تقویت انعطاف‌پذیری مالی به سمت کارایی بیشتر به ارتباط سیاسی و مولفه‌های مربوط به آن اهمیت دهند. همچنین در این راستا نیز می‌توان الگوها یا خط‌مشی‌هایی طراحی نمود و هر دو مولفه‌های انعطاف‌پذیری مالی و یا مولفه‌های مربوط به ارتباط سیاسی را در آن قرار داد تا بتوان با راهکارهای ارائه شده، بهترین تصمیم را در کمترین زمان ممکن به کار گرفت و از طرفی ریسک مربوط به آن را کاهش داد و در نتیجه عملکردی بهتر در راستای کسب سود بیشتر یا کارایی مالی، سرمایه‌گذاری و عملیاتی مناسب‌تر را کسب نمود.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، سید کاظم، بهرامی‌نسب، علی، محرابی هشت‌چین، نرگس. (۱۴۰۱). «بررسی اثر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین محدودیت مالی و ریسک درماندگی مالی با بازده غیرعادی». **فصلنامه راهبرد مدیریت مالی**، ۱۰ (۳۶)، ۱۱۳-۱۳۲.
۲. خاشعی، وحید، مراد امام‌زاده جعفر، مهرداد. (۱۳۹۰). «ارتباطات سیاسی؛ درآمدی نظری بر مبادی ارتباطاتی قدرت نرم». **رساوه**، ۲۱ (۲)، ۲۱-۲۳.
۳. خواجوی، شکراله، دهقانی سعدی، علی‌اصغر، روستا، منوچهر. (۱۳۹۷). «بررسی نقش تعدیل‌کنندگی خودشیفتگی مدیران در تبیین رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران». **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، ۱۰ (۳۹)، انجمن حسابداری ایران، ۵۷-۷۴.
۴. چالاکي، پری، منصورفر، غلامرضا، کرمی، امیر. (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر درماندگی مالی با تأکید بر انعطاف‌پذیری مالی». **دانش حسابداری مالی**، ۵ (۱)، ۱۵۳-۱۸۰.
۵. رضوی‌نسب، کیانوش، پورزمانی، زهرا. (۱۴۰۳). «بررسی رویکردهای شناختی مدیران (احتیاط، محافظه‌کاری و خوش‌بینی-بدبینی) هنگام تصمیم‌گیری بر ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت». **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، ۶۳، انجمن حسابداران ایران، ۳۹-۶۰.
۶. زنگانه، جواد، اشرفی، مجید، عباسی، ابراهیم، نادریان، آرش. (۱۴۰۱). «تأثیر ویژگی‌های رفتاری مدیران بر انعطاف‌پذیری مالی شرکت: با نقش تعدیلی ارتباط سیاسی و کارایی مدیران». **فصلنامه راهبرد مدیریت مالی دانشگاه الزهراء**، ۱۰ (۳۹)، ۱۵۱-۱۷۶.

۷. دارابی، رویا، موسوی، مظاهر. (۱۴۰۳). «بررسی ارتباط بین انعطاف‌پذیری مالی و استراتژی سرمایه‌گذاری». **فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری**، ۸(۲۸)، ۲۸۷-۲۹۸.
۸. زنگنه، جواد، اشرفی، مجید، عباسی، ابراهیم، نادریان، آرش. (۱۴۰۱). «تأثیر خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مدیرعامل بر ابعاد مدیریت ریسک شرکت با توجه به نقش تعدیلی ارتباط سیاسی و کارایی مدیرعامل». **پژوهش‌های مالی و رفتاری در حسابداری**، ۲(۲)، ۹۲-۱۱۳.
۹. فرخ، سعید، جهانشاد، آزیتا. (۱۴۰۱). «خودشیفتگی مدیران و انتخاب سبک‌های رهبری در حسابداری». **پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی**، ۱۴(۴)، ۲۲۱-۲۴۱.
۱۰. لاری‌دشت‌بیاض، محمود، مرندی، زکیه. (۱۴۰۳). «بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و انعطاف‌پذیری مالی: با استفاده از مدل ظرفیت مازاد بدهی». **دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت**، ۱۳(۵۲)، ۱۵۳-۱۷۲.
۱۱. ماندگاری‌اندانی، علی، دمووری، داریوش. (۱۴۰۲). «بررسی تأثیر انعطاف‌پذیری مالی، کارایی مدیریتی و چرخه عمر بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار». **فصلنامه راهبرد مدیریت مالی**، ۱۱(۴۱)، ۹۷-۱۲۸.
۱۲. محمدزاده، مهدی، فلاح، رضا. (۱۴۰۲). «بررسی ارتباط بین انعطاف‌پذیری مالی و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران». **فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری**، ۷(۸۹)، ۴۶۷-۴۸۰.
۱۳. ملکیان، اسفندیار، قربانی، مریم، نبویان، سیدمرتضی. (۱۴۰۲). «شوک نقدینگی، انعطاف‌پذیری مالی و سرعت تعدیل سود تقسیمی سهام در بورس اوراق بهادار تهران». **پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی**، ۱(۲)، ۳۹-۶۶.
۱۴. نوروزی، محمد، قدرتی زورام، عباس، شادکامی، مصطفی، قاسم‌زاده، مصطفی. (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر کارایی مدیران بر رابطه بین انعطاف‌پذیری و عملکرد مالی در مراحل مختلف چرخه عمر». **فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری**، ۵(۷۸)، ۱۱۷-۱۳۶.
۱۵. هاشمی پورنصری، زهرا، منصوری، فردین، غلامی جمکرانی، رضا، صفا، مژگان. (۱۴۰۲). «تأثیر عوامل ناشی از ساختار سیاسی-اقتصادی کشور بر میزان چسبندگی هزینه‌های شرکت‌ها». **پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی**، ۱(۱)، ۲۳۹-۲۵۸.
16. Barry, J. W., Campello, M., Graham, J. R., Ma, Y. (2023). "Corporate Flexibility in a Time of Crisis." **Journal of Financial Economics**, 144(3), 780-806.
17. Chang, H. Y., Ma, C. A. (2018). "Financial Flexibility, Managerial Efficiency and Firm Life Cycle on Firm Performance: An Empirical Analysis of Chinese Listed Firms." **Journal of Advances in**

Management Research. DOI: <https://doi.org/10.1108/IAMR-06-2017-0072>

18. Chen, Y., Li, H. (2022). "The Impact of Financial Flexibility on the Financial Performance of Chinese Listed Firms." **China Finance Review International**, 11(2), 230-252.
19. Harymawan, I., Lam, B., Nasih, M., Rumayya, R. (2020). "Political Connections and Stock Price Crash Risk: Empirical Evidence from the Fall of Suharto." **International Journal of Financial Studies**, 7(3), Article 49.
20. Inam Bhutta, A., Sheikh, M. F., Munir, A., Naz, A., Saif, I. (2022). "Managerial Ability and Firm Performance: Evidence from an Emerging Market." **Cogent Business & Management**, 8(1), 1-22.
21. Li, X., Chen, S., Guo, Y. (2023). "Financial Flexibility, Managerial Efficiency, and Financial Performance of Technology Firms." **Journal of Business Research**, 145, 207-216.
22. Wu, W., Chau, L., Shi, Y., Fadi, A. (2024). "The Influence of Financial Flexibility on Firm Performance: The Moderating Effects of Investment Efficiency and Investment Scale." **Journal of Applied Accounting Research**.



Behavioral Characteristics of Managers, Financial Flexibility and the Mediating Role of Political Communication based on the Structural Equation Model

Narges Sabouri

Department of Accounting, B.A.C, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

Hojjatallah Salari¹©

Department of Accounting, B.A.C, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

Mahla Ziaee Bideh

Department of Accounting, B.A.C, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

(Received: July 9, 2024; Accepted: January 20, 2025)

Financial flexibility is one of the points that managers are paying attention to today, and it is possible that behavioral characteristics of managers can affect this indicator, and on the other hand, political connection, as an influential indicator, has a mediating role in financial flexibility and causes changes in the financial and behavioral discussion of the company; therefore, this study was conducted with the aim of determining the effect of behavioral characteristics of managers on the financial flexibility of the company with the mediating role of political connection. The research method is descriptive-survey and applied, and quantitative variables were used that were quantified by coding. The research data were distributed cross-sectionally in the first half of 2024 through a questionnaire among the sample members and collected over a specific period of time. The statistical population included various Iranian companies and the statistical sample included all active managers in the company, 127 people, were selected using the Morgan table method. The research results indicate that behavioral characteristics of managers have a positive and significant effect on the financial flexibility of the company with the mediating role of political connection. Therefore, emotional intelligence and nonverbal intelligence, communication and listening, self-confidence and decision-making, flexibility and respect for employees, honesty and dedication, taking into account the role of political communication, can lead to changes in financial flexibility.

Keywords: Behavioral Characteristics of Managers, Financial Flexibility, Political Communication, Non-Verbal Intelligence, Self-Confidence.

¹ Ho.salari@iaau.ac.ir© (Corresponding Author)